

دوانی‌ها نوعی طبقه‌بندی محلی از خاکهای منطقه خود به شرح زیر دارند:

- ۱ - خاک سیاه که بیشتر در زمینهای زیر دوان قرار دارد و مناسب زراعت است.
- ۲ - خاک سرخ که برای گندم‌کاری خوب است و در منطقه صحرا و باغهای کوهستانی قرار دارد و برای ساختن کوزه، کاسه گلی، دیگ گلی و تنور سازی بکار می‌رود.
- ۳ - خاک شندار که مخصوص کاشتن انگور، انار و انجیر است و در کوهها یافت می‌شود.
- ۴ - خاک سبز که بیشتر در اطراف تل بل غنی (tel-e bal-e qani) پیدا می‌شود و مصرف زراعی ندارد.

۵ - خاک زرد که به صورت رگه‌هایی در منطقه وجود دارد و برای درختکاری خوب است.

۶ - خاک سفید که به صورت رگه‌هایی در کوهستان وجود دارد و در شیره انگورگیری بکار می‌رود و شیره انگور را زلال می‌کند.

۷ - خاک آبی که در اطراف کوه دوان پیدا می‌شود و برای زراعت هم خوب است.

همچنین دوانی‌ها یک طبقه‌بندی برای سنگهای موجود در منطقه دوان دارند که به شرح زیر است:

- ۱ - سنگ خارا که در منطقه کوه به مقدار زیاد دیده می‌شود.
- ۲ - سنگ نرم معمولی که برای خانه‌سازی و دیوار سازی بکار می‌رود و در اطراف دوان و مقداری هم در کوهستان موجود است.
- ۳ - سنگ سرخ که آن هم در منطقه کوهستانی قرار دارد و برای دیوارکشی باغ بکار می‌رود.
- ۴ - سنگ سیاه که کمیاب است و برای تزیین ساختمان بکار می‌رود.
- ۵ - سنگ سبز که دوانی‌ها با آن نوعی سیمان می‌سازند.
- ۶ - سنگریزه‌هایی معروف به چت (çet) که برای سیمان کاری بکار می‌رود.
- ۷ - سنگ نرم که از آن آهک می‌سازند و در اطراف دوان زیاد پیدا می‌شود.
- ۸ - سنگ نرمه که از آن سیمان سفید می‌سازند.

به طور کلی از لحاظ خاک شناسی این منطقه دارای دو ناحیه کاملاً مجزاست. یکی منطقه کوهستانی که تنوع سنگها و سنگریزه‌ها در آن دیده می‌شود و دارای خاکی حاصلخیز است که باید با زحمت فراوان آن را برای کشاورزی مسطح و مهیا نمود. دیگری منطقه دشت است که مملو از قلوه سنگ و ریگ می‌باشد و باید برای کشاورزی آن را مسطح و از سنگ و ریگ پاک نمود.

## آب و هوای منطقه دوان

از آنجایی که منطقه دوان دارای وضعیت خاص جغرافیایی است، لذا تنوع آب و هوایی در آن مشاهده می‌شود. از یک طرف دشت دوان وجود دارد که جزئی از جلگه کازرون است. بنابراین دارای آب و هوایی گرم و خشک است. زمستانی ملایم دارد که بندرت به صفر درجه می‌رسد و تابستانی خشک و گرم دارد که درجه حرارت نزدیک به ۴۵ درجه سانتی‌گراد است؛ و رطوبت نسبی ۲۰ تا ۲۵ درصد تبخیر سالانه را به ۳۵۴۰ میلی‌متر می‌رساند (این رقم ۱۲ بار بیش از بارندگی سالانه است). جریانهای منطقه دشت دوان خفیف است. این منطقه در معبر جریانهای اصلی هوای مرطوب خلیج فارس به طرف شمال شرقی و جریان هوای مرطوب دریای مدیترانه به طرف جنوب شرقی قرار گرفته است. عموماً جریانهای جنوب غربی بارانها را موجب می‌شوند. از طرف دیگر منطقه کوهستانی، بخصوص سرحد است که زمستانی سرد با قله‌های برف گیر دارد که در زمستان تا یک متر برف بر روی آنها می‌نشیند. درجه سرما به ۲۰ درجه سانتی‌گراد زیر صفر می‌رسد. تابستانی بسیار ملایم دارد روستای دوان در بین این دو حد قرار دارد و از این رو دارای آب و هوای معتدل است.

در دوان، بادهای متنوعی می‌وزد که دوانی‌ها يك تقسیم‌بندی منظم و منطقی از آنها عرضه کرده‌اند:

- ۱- باد رشنه که از سمت کوههای شمال شرقی و عمدتاً در تابستان می‌وزد و دوانی‌ها بر این باورند که این باد علامت آن است که زمستانی پر باران خواهند داشت.
  - ۲- باد پوک که از شمال می‌وزد و چون بر خلاف درختها می‌آید، لذا میوه‌ها را خراب می‌کند بخصوص که در اول تابستان می‌وزد.
  - ۳- باد پاییز که برگهای درختان را می‌ریزد.
  - ۴- باد گل بشکف که در بهار می‌وزد و غنچه‌ها را باز می‌کند.
- دوانی‌ها معتقدند که اگر باد، ابر را به طرف مغرب دوان ببرد، این ابر دارای باران است، در حالی که اگر باد ابر را به طرف شمال ببرد، گویند این ابر باران ندارد.

در دوان باران در نیمه اول آبان شروع می‌شود و تا آخر فصل زمستان ادامه دارد. در بهار بارانهای بهاری تا نیمه اردیبهشت می‌بارد. از خرداد تا نیمه آبان بارانی نمی‌بارد مگر به صورت اتفاقی. رطوبت همیشه وجود دارد و حداکثر رطوبت هوا در زمستان و حداقل آن در مرداد ماه است. هوا در بعضی از فصول به اندازه‌ای مرطوب است که روی دیوار و پشت بام خانه‌ها خزه سبز می‌شود. با وجودی که در منطقه حدوداً شش ماه بارندگی وجود ندارد معیناً به واسطه رطوبت هوا بیشتر زراعت در این نواحی دیمی است. جدول ۱-۱ مقدار نزولات جوی در یک سال در منطقه دوان را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول مزبور بر می‌آید، جمع بارندگی سالانه ۴۲۴ میلی‌متر است.

دوانی‌ها از سه نوع باران نام می‌برند. نوع اول باران زمستانی است که به طور یومیه می‌بارد. کمترین مدت دوروز مداوم و بیشترین تا ۱۴ روز به طور مداوم ادامه داشته است. طرز بارش نرم مداوم است، اما بعضی مواقع به صورت رگبار نیز می‌بارد به طوری که در شیب روستا سیلاب راه می‌افتد که به گویش دوانی به کُشور (ko: šur) موسوم است. نوع دوم باران بهاری است که دوانی‌ها آن را چل پینک (čel pasinek) گویند. معمولاً مدت ۱۰ تا ۱۵ روز به طور غیر مداوم یعنی یک ساعت در میان می‌بارد. نوع سوم باران غنی ور (qani var) است که هر دو سالی یک بار می‌بارد. معمولاً اواخر تابستان و اوایل پاییز در همه جا یا فقط در منطقه سرحد می‌بارد. مدت بارش ۲ ساعت است و معمولاً یا در روز و یا در شب اتفاق می‌افتد.

بر اساس وضعیت آب و هوای منطقه دوان که در بالا توضیح داده شد، دوانی‌ها یک جدول آب و هوایی دارند که فصول مختلف را به سه منطقه صحرا، دوان و سرحد تشریح می‌نماید. جدول ۱-۲ آب و هوای تفصیلی منطقه دوان را بر اساس دانش تجربی مردم دوان نشان می‌دهد. به علت بارش باران و برف در منطقه کوهستانی از یک طرف و نوع کوهها از طرف دیگر که قسمتی از نزولات را در خود فرو می‌برند، در اطراف دوان یازده چشمه بوجود آمده که همگی دارای آبی گوارا هستند: ۱- برئی بار (bariyo - y bār)، ۲- برئی دومن (baryo-y duman)، ۳- بِل غنی (bal-e qani)، ۴- بِل پَسِه (bal-e pa:se)، ۵- اوخجه رجوی (ô xoja rjav - i)، ۶- اُولردک (ô lardek)، ۷- اُولمشیری (ô mašir-i)، ۸- اُولنیک (ô neyek)، ۹- بِل مَدَخاچه (bal-e ma:ğe xâja)، ۱۰- اُولبیدی (ô biđi)، ۱۱- اُولقلا (ô qalâ).



ادامه جدول ۱-۱

روز	ماه	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور
۲۶			۱۳										
۲۷			۲										
۲۸													
۲۹													
۳۰					۵								
۳۱													
جمع			۲۶	۱۳۱	۸۹	۱۰۷	۳۵	۲۵	۱۱				

منبع: وزارت نیرو، ۱۳۶۰: ۳۳.

جدول ۱-۲: آب و هوای تفصیلی منطقه دوان

منطقه	صحرا	دوان	سرحد
بهار	- ملایم	- خنک	- سرد
تابستان	- باران اتفاقی	- باران اتفاقی	- باران اتفاقی
	- گرم و خشک	- روز گرم، شب خنک	- ملایم و خنک
	- باران به ندرت	- باران به ندرت	- باران اتفاقی
پاییز	- ملایم	- ملایم	- رو به سردی
	- باران کم	- باران کم	- باران کم
زمستان	- سرد	- سردتر از صحرا	- شدیداً سرد
	- باران شدید	- باران شدید و برف	- باران و برف شدید

کلیه چشمه‌ها در قسمت جنوبی دوان قرار گرفته‌اند. از این چشمه‌ها، چهار چشمه نسبتاً نزدیک به دوان هستند که سابقاً جهت آب آشامیدنی از آنها استفاده می‌شد. نزدیکترین چشمه به دوان بِل پَسَه است. مقدار آبده آن ۳ لیتر در دقیقه است که در بهار قدری زیاده‌تر می‌شود. دوانی‌ها معتقدند که آب این چشمه از همه آبهای دوان سبکتر است. آب آن برای شرب، جهت حمام دوان و مازاد آن جهت آبیاری باغهای انار به مصرف می‌رسد. دومین چشمه نزدیک به دوان بِل غنی است که مقدار آب دهی آن سابقاً خوب بوده، اما امروزه دیگر آن قدر کم شده که بعضی مواقع خشک می‌شود. به علت نزدیک بودن به روستا، سابقاً زنان با مشک و با پای پیاده از این چشمه آب می‌آوردند. مازاد آب قبلاً برای آبیاری باغهای انار بوده و امروزه تقریباً درختهای انار پایین آن خشک شده است. سومین چشمه نزدیک به دوان برئی بار است که مقدار آب آن ۱٪ لیتر در ثانیه است و در بهار قدری زیاد می‌شود. عمدتاً آبش جهت باغداری است. چهارمین چشمه برئی دومین است که مقدار آب آن ۱٪ لیتر در ثانیه می‌باشد. قسمت اعظم آب آشامیدنی دوان تا چند سال پیش از این چشمه تأمین می‌شد. سابق بر این که مقدار آبش بیشتر بود از مازاد آب آن برای آبیاری باغهای انار استفاده می‌شد. امروزه در برخی از باغ‌های اناری تعدادی از درخت‌ها خشک شده و از بین رفته است. سایر چشمه‌های دوان را که نام بردیم عمدتاً جهت آبیاری باغها مصرف دارند، اگر چه آب همگی برای آشامیدن گواراست، اما به علت دور بودن از دوان، کسی رنج راه را بر خود تحمل نمی‌کند. آب بعضی از این چشمه‌ها دارای خصوصیتی است: او مشیری دارای آبی با رگه‌های تلخ است؛ اویدی از طرف مزارع دوان می‌آید و چون از مزارع نمناع عبور می‌کند، بسیار معطر است و اشخاص مریض از آب آن جهت شفا می‌نوشند.<sup>۱</sup>

مطالعات در زمینه آبهای زیرزمینی و ژئوفیزیک منطقه دشت دوان و کازرون نشان داده که با حفر چاههای عمیق امکان برداشت ۹/۷ میلیون متر مکعب آب در سال وجود دارد بدون آنکه لطمه‌ای به رژیم آبهای سطحی وارد کند.<sup>۲</sup> از این رو در دشت دوان چندین چاه و قنات دیده می‌شود که دارای آبدهی بالایی هستند. از آن جمله است چاه آب آشامیدنی دوان که شرح آن در جای مناسب آمده و دیگری قنات قرچچه (qerça) است که زمینهای کشاورزی را مشروب می‌ساخته است و امروزه آب چندان ندارد.

## پوشش گیاهی منطقه دوان

منطقه دوان دارای یک پوشش گیاهی غنی نسبت به سایر مناطق سلسله جبال زاگرس است. این پوشش گیاهی در واقع باغی است وسیع و طبیعی که در آن گیاهان متنوع یکساله و چند ساله، بزرگ و کوچک، درخت و درختچه، به طور خودرو می‌روید و جامعه‌ای نباتی بوجود می‌آورد. جامعه نباتی از گیاهانی تشکیل یافته که در بعضی صفات اکولوژیکی و غیره با یکدیگر شباهت دارند و همین اشتراك منافع و وجود صفات مشترك سبب شده که در شرایط واحد محیط برویند.<sup>۱</sup> قبلاً بیان شد اقلیمی که منطقه دوان در آن قرار دارد عمدتاً اقلیم مدیترانه‌ای گرم و خشک است با این تفاوت که در این اقلیم تعداد روزهای خشک تنزل نموده و ضریب خشکی آن بین ۱۵۰ - ۲۰۰ روز است. در رابطه با این اقلیم نوع خاصی جنگل در کوهها و دشتهای دوان بوجود آمده است. جنگلهای دوان جزء جنگلهای مناطق نیم خشک است. ترکیب و سیمای این جنگلها نسبت به ارتفاع آنها از سطح دریا متفاوت است. در بعضی دامنه‌ها جنگلها پراکنده و در بعضی دامنه‌های دیگر انبوه هستند. بعضی از مناطق کوهستانی دوان فاقد درخت است. در این نواحی، به جای جنگل بوته‌زارهایی با درختچه‌ها و بوته‌های مختلف و یا مراتع خشک و کوهستانی دیده می‌شود. به طور کلی سطح جنگلها و مراتع دوان را ۶۳ هزار هکتار برآورد کرده‌اند. از لحاظ جنگل‌شناسی منطقه دوان را به سه زیر منطقه می‌توان تقسیم کرد: منطقه اول سرکوه دوان است که دارای جنگلی انبوه می‌باشد به طوری که در بعضی مناطق نمی‌توان از بین درختان عبور کرد؛ منطقه دوم زیر کوه است که از فشردگی کمتری برخوردار است؛ و بالاخره منطقه سوم دشت و مرتع دوان است که در واقع فاقد درخت است و بیشتر بوته‌ها و درختچه‌ها و انواع علفها در آن وجود دارد.

به طور کلی در منطقه دوان دو جامعه «بلوط» و «بنه و بادام» بر حسب ارتفاع از سطح دریا وجود دارد. در جامعه بلوط مناطق کوهستانی دوان، جنگلها گاهی خالص و یکدست و گاهی مختلط هستند و درخت غالب آنها را بلوط تشکیل می‌دهد. در این جنگلها درختان و درختچه‌های مختلفی مانند انواع انجیرهای وحشی (کوچی اسپه (Ku ts iespe)، کوچی سیه

(ku ts i siya)، کوچی سی یی دم بلند (ku ts i siye-y dom boland)، کوچی سیه دم کلفت (ku ts i sespe-y dom koloft)، کوچی اسپه دم کلفت (ku ts i siye-y dom koloft) و بر (ku ts i zard-o ber)، خر مور (xormur) (امرود) و غیره دیده می‌شود و گاهی نیز درختان بنه در آن می‌روید. گونه بلوطی (که به دوانی آن را بَری bari گویند) که در کوه‌های دوان می‌روید، بلوط ایرانی است. منقطه پاریشه دشتک جنگلهای بلوط انبوه دارد. جنگلهای بلوط اهمیت زیادی دارند. از پوست میوه آن در صنعت چرم‌سازی و رنگرزی و از چوب آن در صنعت نجاری و منبت کاری استفاده‌های زیادی می‌شود.

جامعه بنه و بادام در منطقه دوان به صورت مجزا یا مخلوط وجود دارد که در نوع مخلوط آن، درختان بنه طبقات فوقانی و درختچه‌های بادام لایه‌های تحتانی جنگل را تشکیل می‌دهند. علاوه بر درختان و درختچه‌های غالب فوق، در نقاط مختلف بر حسب شرایط محیط، گونه‌های دیگری از قبیل انجیر، امرود، زالزالک و غیره در جنگلهای بنه و بادام دیده می‌شود. وجود اجتماع مخلوط بنه و بادام برای تجدید حیات درختان بنه بسیار مفید است. به عبارت دیگر درختان بنه به تنهایی قادر به تجدید حیات و ادامه نسل نیستند، زیرا بذر آنها به علت وجود عوامل مختلفی قادر نیست در محیطی باز و بدون داشتن پناهگاه بروید و نهال و درختی بوجود آورد، هر گاه با درختان بادام وحشی همراه باشد، بذر آن در زیر بوته‌های بادام در پناه انشعابات خاردار وی تو هم رفته آن بخوبی می‌روید و از گزند دامهای مختلف در امان می‌ماند. نهال بنه سالیانی در زیر بوته‌های بادام بسر می‌برد و سپس بزرگتر شده، از خلال آنها خارج می‌شود و درختی نسبتاً بزرگ، با تاجی گرد، بوجود می‌آید و لایه فوقانی بادام را تشکیل می‌دهد. چون دوانی‌ها سالیان دراز درختچه‌های بادام وحشی را برای تهیه سوخت و سر پناه قطع می‌کرده‌اند، اختلالی در این وضع طبیعی در این جامعه بوجود آورده‌اند. جنگلهای بنه و بادام از لحاظ کلی شایان توجه و اهمیت زیادی هستند، چه علاوه بر اینکه سبب سبزی دشت کوهسار می‌شوند و در تعدیل آب و هوای محیط مؤثر هستند، از نظر اقتصادی نیز قابل دقت و حایز توجه هستند. در دوان از میوه بادام استفاده می‌شود؛ از شیرۀ درخت بادام به نام زدی (zedi) که مایعی چسبناک است استفاده فراوان می‌شود و بالاخره از شاخه‌های تر این گیاه انواع سبدها بافته می‌شود. از میوه درخت بنه استفاده‌های متنوعی می‌شود و از پیر -س (ber:s) (سقز) درخت، کندر تهیه می‌گردد.



جنگل یکی از بزرگترین منابع تولید است. به علت وسعت و گستردگی‌ای که دارد دستخوش عوامل مختلفی می‌گردد و تخریب می‌شود. عوامل اقتصادی، طبیعی و اتفاقات به این تخریب کمک می‌نمایند. سابقاً منافع اقتصادی دوانی‌ها و شیوه معیشت آنها باعث شده بود که به قطع درختان جنگلی پردازند. قطع درختان یک جنگل، هر چند از جهات مختلف لازم و ضروری بنظر می‌رسد، نباید بدون مطالعه انجام پذیرد، بلکه باید نسبت به شرایط مختلف جنگل و درختانی که جامعه آن را تشکیل می‌دهند، روشی معین بکار می‌رود. قطع بی رویه درختان جنگلی و سهل‌انگاری افراد باعث شده که مقدار زیادی از جنگلهای دوان از بین روند. از عوامل مؤثر در این زمینه باید از موارد زیر نام برد:

- ۱- زغال‌گیری بی رویه
- ۲- هیزم‌گیری مفرط
- ۳- خسارت ناشی از چرای دام
- ۴- باغسازی و احداث تاکستانها
- ۵- خسارات ناشی از حیوانات وحشی
- ۶- حریق

زغال از منابع اصلی سوخت دوانی‌ها و همچنین يك منبع در آمد خوب بوده است. این تخریب تا سالهای ۱۳۴۱ ادامه داشت، اما از آن سال به بعد به علت جلوگیری‌های دولت کاهش پیدا کرد.

تخریب نوع دوم، هیزم‌گیری بوده که باز هیزم هم از منبع اصلی سوخت بوده و بازار خوبی در کازرون داشته است. این تخریب هم تا سالهای دهه ۱۳۴۰ شدت داشت، اما از آن به بعد کاهش یافته است.

از آنجایی که قسمتی از معیشت دوانی‌ها از طریق دامداری می‌گذرد و از طرف دیگر دام می‌باید برای چرا به کوه و دشت برود، لذا چرای بی رویه دامها عامل مؤثری در تخریب چراگاهها بوده است. این فرایند تخریب هنوز هم ادامه دارد.

عمده باغها و تاکستانهای دوان در مناطق کوهستانی قرار دارد و برای آماده نمودن زمین برای تاکستانها و باغهای مختلف زمین باید از هر گونه گیاهی پاک شود، لذا باغسازی در دوان عاملی

اساسی در تخریب جنگلها و مراتع بوده است. اما باید توجه داشت که این تخریب با نوعی بازسازی توأم است زیرا به جای درختان خودرو، درختان میوه کاشته می‌شود. تاریخچه این تخریب و بازسازی به هزار سال پیش می‌رسد و هنوز ادامه دارد.

در منطقه دوان حیوانات وحشی مختلفی وجود دارد که تعدادی از آنها گیاهخوار بوده و در فرایند تخریب شرکت دارند. تقریباً جلوی این عامل را نمی‌توان گرفت.

بالاخره باید از عامل حریق نام برد. در رابطه با حریق، بعضی از گیاهان مقاوم بوده و بعد از آتش سوزی ترمیم می‌شوند، در حالی که تعدادی از گیاهان با آتش سوزی از بین می‌روند. کوهها و دشت دوان دارای اکثر نباتات موجود در منطقه فارس می‌باشند و مضافاً اینکه این منطقه دارای یک دسته گیاهانی است که در سایر مناطق دیده نمی‌شود. این گیاهان کلاً خودرو بوده و در سطح بسیار وسیع می‌توان آنها را به دو دسته گیاهان علفی و بوته‌ای، و گیاهان درختچه‌ای و درختی تقسیم کرد. بعضی از این گیاهان دارای مصرف دارویی است که در اینجا تنها به نام آنها بسنده می‌کنیم و شرح مفصل آنها در فصل طب سنتی آمده است، بعضی دیگر، از میوه‌های آنها استفاده می‌شود که عمدتاً در سالهای خشکسالی کمک زیادی به تغذیه اهالی نموده است؛ عده‌ای مصرف صنعتی داشته و از چوبشان استفاده می‌شود. و بالاخره تعدادی به عنوان غذای دام هستند. تا آنجا که مقدور بوده نام علمی این گیاهان آورده شده، اما شناخت علمی و دقیق این گیاهان احتیاج به یک مطالعه دقیق گیاه‌شناسی دارد که از حوزه تحقیق حاضر خارج است. هدف در اینجا بیشتر نشان دادن تنوع پوشش گیاهی منطقه است که در زندگی دوانی‌ها می‌تواند مؤثر باشد. در این مختصر گیاهان به ترتیب نام درگوش دوانی آورده شده‌اند.

### گیاهان علفی و بوته‌ای منطقه دوان

#### الف - گیاهان علفی و بوته‌ای غیر طبی

- ۱ - آس پس (assopes)؛ ۲ - الموک (alamuk)؛ ۳ - انگیر قلا (angir qala)؛ ۴ - ارووک (ervuk)؛ ۵ - باذرنجو (badranjo)؛ گونه‌ای بادرنجویه است به نام پلنگ مشک که نام علمی آن (dracocephalum kotschyi) است، گیاهی است با گل‌های بزرگ سفید متمایل به زرد که در موسم اردیبهشت و خرداد گل می‌دهد؛ ۶ - بَمَن (ba:man)؛ ۷ - بُنجه (banja)؛ ۸ - پلنکش

(pelankoš)؛ ۹ - پی یی برم (piyo-y borm): گونه‌ای پیاز وحشی (allium paradoxum) پایا است با پیاز تخم مرغی کوچک، موسم گل آن اردیبهشت است؛ ۱۰ - پچک (pe:čak): که آن را در فارسی پیچک صحرایی (convolvulus arvensis) گویند، گیاهی یکساله و از علفهای هرز مزارع است و دارای گلی محوری به رنگ سفید یا صورتی است که در نیمه فروردین تا اواخر تابستان نمایان می‌شود؛ ۱۱ - تیریشوک (tirišuk)؛ ۱۲ - توله (tu:la): گونه‌ای پنیرک با نام علمی (malva neglecta) است که یکساله یا دو ساله و دارای گلی سفید مایل به بنفش است و در اردیبهشت و خرداد می‌شکند؛ ۱۳ - تی ریز (ti:riz): گونه‌ای سیلن (silene conoidea) که یکساله بوده و دارای گلی تقریباً کوچک به رنگ صورتی است و در فروردین و اردیبهشت ظاهر می‌گردد؛ ۱۴ - سَلَو (sa:lav): نام علمی آن (anacamptis pyramidalis) است. گیاهی پایا به شکل ثعلبها و موسم گل آن اردیبهشت می‌باشد. ۱۵ - چورگ (jeverg)؛ ۱۶ - چندرک (čondarak)؛ ۱۷ - خارتوکی سگ (xâr tevaci-ye sag): گیاهی پایا که گل آن به صورت مجتمع در کپه‌های کروی به رنگ آبی است و موسم گل آن خرداد تا شهریور است، ۱۸ - خار زور (xâr zur)؛ ۱۹ - خار شتر (xâr šotor)؛ ۲۰ - خارک پخته (xârak poxta)؛ ۲۱ - خندل (xandal)؛ ۲۲ - دَرِبَنَک (dar-e benak)؛ ۲۳ - دَر بیونوک (dar-e bivinuk)؛ ۲۴ - رُواسک (rovâsk)؛ ۲۵ - ریش پازن (riš-e pâzan)؛ ۲۶ - زنگل (zangol)؛ ۲۷ - سِز (se:z): گیاهی پایا، بدون کَرک به رنگ سبز مات با گل‌هایی بنفش به صورت کپه‌ای است و موسم آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۲۸ - سِزِکُی (se:z-e koyi): نام علمی آن (steptorrhampus tubero sus) است، گیاهی دو ساله یا پایا، بدون کَرک، سبز مات، دارای ریزوم غده‌ای کم و بیش ضخیم است، گل آن آبی ارغوانی یا صورتی بنفش و فصل آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۲۹ - سِز مار (se:z-e mâr): گیاهی دو ساله، بدون کَرک و دارای ریزوم ضخیم است، گل آن آبی ارغوانی و موسم آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۳۰ - سَگ تاری (saga târi): یا گل قاصدک (tarax acum vulgare) گیاهی یک ساله با گلی به شکل کپه و زردرنگ که در اواخر اسفند تا اواخر خرداد می‌شکند؛ ۳۱ - سیرموک (sirmuk)؛ ۳۲ - سیزن کوکا (sizan koka): گونه‌ای شمعدانی وحشی (erodium cicutarium) که یک ساله یا دو ساله است و گل آن نیز قرمز یا صورتی متمایل به سفید و موسم گل آن اردیبهشت است؛ ۳۳ - سینه کوگ (sine-y kôg)؛

۳۴ - شومبو (šovambu)؛ ۳۵ - شیر ینوک یا شیر شیروک ((šir širuk - (širinuk)؛ ۳۶ - قیطره (qeytera)؛ ۳۷ - کارده (kârda)؛ ۳۸ - کالوس (kâlus)؛ ۳۹ - کتو (kato)؛ ۴۰ - کُرگن (korgen)؛ ۴۱ - کُما (Koma)؛ ۴۲ - کُووی کُیی (Kovu-y Koyi)؛ ۴۳ - گامُر (gâmor)؛ ۴۴ - گاهاک (gâhâk)؛ ۴۵ - گزگزوک (uazgazuk)؛ همان گزنه سفید (lamium album) است که گیاهی پایا به رنگ سبز تیره و کرکدار است، گل آن سفید و غالباً با لکه‌های سبز که از فروردین تا اواسط تابستان موسم آن است؛ ۴۶ - گِرَبَرْد (gerabard)؛ ۴۷ - گل بی منت بارون (gol-e bi mennat-e bârun)؛ گونه‌ای گل استکانی است که نام علمی آن (companula S-teenii subsp. stevenii) است و گیاهی پایا، بدون کرک، چمنی، دارای ریزوم نازک افشان رونده است؛ گل آن به رنگ آبی کمرنگ و موسوم آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۴۸ - گل چیش دردوک (gol-e iš darduk)؛ گونه‌ای شقایق با نام علمی (roemeria refracta) و گیاهی با گل قرمز که موسم آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۴۹ - گل زرد (gol zard)؛ گونه‌ای لاله زرد (tulipa chrysantha) است که پایا و نسبتاً کوتاه و گل آن به صورت جام تقریباً استکانی است و موسوم گل آن اردیبهشت تا نیمه خرداد است؛ ۵۰ - کیرقلا (kir-e qalâ) نوعی پیاز وحشی است که نام علمی آن (allium ampeloprasum var. atroviolaceum) است، گیاهی پایا، دارای پیاز بزرگ و پوشیده از پوشش غشایی و کاغذین است، گل آن مجتمع در چترهای کروی و موسم آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۵۱ - گل گُروه (gorva) یا کُس گُلو (kos-e golu)؛ ۵۲ - گل نرگس (gol-e narges)؛ همان نرگسی یاسی (narcissus papyraceus) است که گیاهی پایا با پیاز نسبتاً بزرگ می‌باشد و گلی سفید دارد که در بهمن و اسفند می‌شکفت؛ ۵۳ - گُرگک (gorgek)؛ ۵۴ - گنوموک (ganomook)؛ ۵۵ - گوژک (goḏek)؛ ۵۶ - گل پَم و دِن (gol pam-e den)؛ ۵۷ - گش بَره (goš bara)؛ ۵۸ - لُولُو فَر (lulufar)؛ نام علمی آن (silene monthrtiana) است، گیاهی پایا، خاکستری رنگ، تقریباً کرکدار، در پایه و بن چوبی است، گل آن در ابتدا سفید، سپس زرد متمایل به سفید می‌شود، موسم گل آن اردیبهشت و خرداد است؛ ۵۹ - لِسک (lisak)؛ گونه‌ای پیاز کوهی (allium colchicifolium) است که پایا با پیاز تخم‌مرغی شکل است، گل آن سفید و موسم آن اردیبهشت است؛ ۶۰ - مَزک (mozek)؛ ۶۱ - ناَشکک (nâškak).

## ب - گیاهان علفی و بوته‌ای طبی

در اینجا فقط نام گیاهان طبی را به گویش دوانی می‌آوریم و از شرح در مورد آنها خودداری می‌کنیم زیرا در فصل مربوط به طب سنتی در مورد همه این گیاهان بحث خواهد شد: ۱ - آروک (arvek)؛ ۲ - آلپه (alpa)؛ ۳ - انسجره (anjera)؛ ۴ - انگدو (angedu)؛ ۵ - اوشمک پین (ô šomek-e pe:n)؛ ۶ - اوشمک کِرك (ô šomek-e kerek)؛ ۷ - بارهنگ (bârehang)؛ ۸ - بساوینه (bâvina)؛ ۹ - بسدورد (badavord)؛ ۱۰ - بنگو (bangu)؛ ۱۱ - بیمادرون (bimâdarun)؛ ۱۲ - پدم (pođom)؛ ۱۳ - پرسیاوشو (par-e siyâvašu)؛ ۱۴ - تدری (todri)؛ ۱۵ - جاشیر (jâšir)؛ ۱۶ - جو (jo)؛ ۱۷ - چِرك گُلُو (ts e:rek-e jolu)؛ ۱۸ - خار توکی (xâr tevaci)؛ ۱۹ - خاکشیر (xâkšir)؛ ۲۰ - ختمی (xatmi)؛ ۲۱ - خیارگرگو (xiyâr gorgu)؛ ۲۲ - درتیسک (der-e tisak)؛ ۲۳ - دلو (dalu)؛ ۲۴ - دونیشت (duništ)؛ ۲۵ - دِنك (denek)؛ ۲۶ - دُوئی آقرو (davo-ye aqrav)؛ ۲۷ - رواترُوك (ravâtorvak)؛ ۲۸ - زنیو (xenyu)؛ ۲۹ - سربرنجاسک (sarberendzâsk)؛ ۳۰ - سگ چِل (sag če:l)؛ ۳۱ - شاترّه (šâ tarra)؛ ۳۲ - شملی (šamli)؛ ۳۳ - شووژ (šoved)؛ ۳۴ - فرنجمشک (feranjomešk)؛ ۳۵ - کاشنی (kâšni)؛ ۳۶ - کتیره (katira)؛ ۳۷ - کمرزری (kemar zari)؛ ۳۸ - کورک (keverek)؛ ۳۹ - گازرک (gâzerak)؛ ۴۰ - گازو (gâzavu)؛ ۴۱ - گشنی (gšni)؛ ۴۲ - گل دیشک (gol-e dišk)؛ ۴۳ - گل گن (gol-e gan)؛ ۴۴ - گندنا (gandenâ)؛ ۴۵ - گل پَشک (gol-e pašek)؛ ۴۶ - منزرچوش (manzarjuš)؛ ۴۷ - مور (môr)؛ ۴۸ - ناشک (nâšk).

## گیاهان درختی و درختچه‌ای منطقه دوان

۱ - ارجن (arjan): همان ارژن است که دارای بادام کوهی است؛ ۲ - انجی (andai): همان انجیر سفید (Ficus carica) است که در دوان به صورت دیم به مقدار زیاد وجود دارد؛ ۳ - بُدُم (bađom): گونه‌ای بادام وحشی است که به فارسی آن را بادامچه و وامچک (amygdalus Spartioides) گویند، به صورت درختچه بوده و گل آن سفید است و میوه‌ای تخم‌مرغی دارد، فصل گل آن اسفند و فروردین است؛ ۴ - بُدوم تَر (bađom-e te:r): گونه‌ای بادام وحشی است که آن را بادام کوهی (amygdalus scoparia) گویند، به صورت درختچه و

درختان کوچک با شاخه‌های استوانه‌ای است، گل آن سفید است که در اسفند ماه می‌شکند و به میوه آن که شفت تخم‌مرغی است: أَخُورِک (axorek) گویند؛ ۵ - بَدْم - کَنیک (bagom-e kane:k): نوعی بادامک وحشی است که درخت آن نسبتاً کوتاه بوده و گل آن سفید است و در اسفند می‌شکند، میوه آن شفت تخم‌مرغی است؛ ۶ - بِر (be:r): یک نوع انجیر وحشی است که بیشتر در سرحدات می‌روید و میوه آن را دَکُو (daku) گویند؛ ۷ - بَری (bari): همان بلوط (*quercus sessiliflora*) است و این درخت به وفور در کوه‌های دوان دیده می‌شود؛ ۸ - بِش (be:š): درختچه‌ای است شبیه به مُرد؛ ۹ - بَنیک (banek): گونه‌ای پسته وحشی (*pis-taeia mutica*) است که به فارسی آن را بن، بنه، سقز، سقز بنه، چاتلانقوش می‌خوانند، به صورت درختچه و درخت است، دارای گلی کوچک و میوه‌ای شفت مانند است که نارس آن را بیریشوک (*birišuk*) و رسیده آن را به (ba) گویند و موسم گل آن اردیبهشت است؛ ۱۰ - بِچَر (be:čer): درختی شبیه به انار است و میوه‌اش خوردنی نیست؛ ۱۱ - پَی وِس (peyves): انجیر سیاه را گویند، درختی دیم و دارای میوه‌ای خوشمزه است، کشت آن در مقایسه با انجیر زرد محدودتر است؛ ۱۲ - پَشْمُوک (pāsmuk): به فارسی همان پشموک (*aerva lanata*) است که به صورت درختچه‌ای است، سفید متمایل به خاکستری، پوشیده از کرکهای پنبه‌ای سخت و چوبی، گل آن سفید و متمایل به خاکستری است و موسم گل آن اسفند و فروردین است؛ ۱۳ - تَیک (teyek): درختی است شبیه به درخت توت اما با برگهای ریزتر، از چوب آن در نجاری استفاده می‌کنند؛ ۱۴ - تَیْدِک (tidēk): همان توت سفید (*morus alba*) است که درختی به ارتفاع ۴ تا ۱۰ متر با برگهای متناوب است، از این درخت به مقدار کم در منطقه دوان وجود دارد؛ ۱۵ - خَرْمُور (xormur): امرود (*pyrus cordata*) به صورت درختی نسبتاً کوچک با جوانه‌های تقریباً بی کرک و گل آن مجتمع به صورت دیهیم ساده که موسم آن فروردین و اردیبهشت است، دارای میوه‌ای کوچکتر از گللابی معمولی است و در کوه‌های دوان به مقدار زیاد وجود دارد؛ ۱۶ - خَرَوِکی (xarveki): نوعی درخت انجیر است که میوه آن سفید و درشت است، از این نوع انجیر در باغات سرحد به وفور دیده می‌شود؛ ۱۷ - دَلَم (delam): به فارسی آن را پوتورو، پوتورو و دفتورک (*grewia tenax subsp. makranica*) گویند، درختچه‌ای است که گل آن سفید، متمایل به سبز یا زرد است و موسم گل آن بهمن و اسفند است؛ ۱۸ - رَز (rez): یا مواز درختچه‌های عمده منطقه

دوان است که انواع گوناگون دارد و همگی دیم هستند، بحث مفصل آن در بخش کشاورزی می‌آید؛ ۱۹ - رَمَلِیک (remalik): درختی است از خانواده کُنار که میوه آن ریزتر از کنار و همچون کُنار خوردنی و محل آن عمدتاً در صحراست؛ ۲۰ - زازی (zâzi): یا کوپوگونه‌ای گون (astragalus arbusculinus) است که پایا، درختچه‌ای و چوبی است و گل آن بنفش و منفرد است؛ ۲۱ - زیتین (zeytin): که به فارسی آن را زیتون گویند، به مقدار کم در کوهها دیده می‌شود، در قسمت جنوب دوان درخت زیتونی است که حالت مقدس دارد؛ ۲۲ - سِیو (se:v): درخت سیب است که در منطقه دوان نوع اعلای آن وجود ندارد؛ ۲۳ - شِن (šen): درختی با ساقه سفید و پوست پوستی است؛ ۲۴ - شیش وینگ (šiš ving): درختی است شبیه به بادام کوهی ولی کوچکتر و نام علمی آن (ephedra distachya) است؛ ۲۵ - اَنَاو (onnav): همان عناب است؛ ۲۶ - غرق (qarq): به فارسی آن را استبرق، غابلب، عوش، عشر، کرک، خرگ، عشار، اکرن، مدان و غرق (calotropis procera) گویند، به صورت درختان کوچک یا درختچه دیده می‌شود که دارای شیرابه‌ای تلخ بوده و گل آن صورتی یا صورتی متمایل به بنفش است؛ ۲۷ - غنی (qani): انجیر سیاه و درشت است که هم در کوه و هم در کوهپایه می‌روید؛ ۲۸ - کُنار (konâr): به فارسی آن را کنار، بیر، قره‌تیکان، نیمزال و ویلیور (zizyphus spina-christi) گویند، درختی نسبتاً کوچک است که از برگ آن سدر می‌سازند، گل آن پنج پر و موسم آن اسفند است و میوه‌اش شفتق گوشتدار است؛ ۳۰ - کوچی (ku ts i): نوعی انجیر سفید است که میوه آن از انجیر معمولی کوچکتر است؛ ۳۱ - کَکَکو (ka:kô): این درخت دارای شیرهای است که به آن بَرِکَکو گویند، ۳۲ - کی یل (kiyal): همان زالزالک است که به صورت درختچه‌ای در همه جای سرحدات کوه دوان می‌توان آن را یافت؛ ۳۳ - گُلاوی (golâvi): همان گلابی است که در دوان در مقایسه با امرود (خرمور) به مقدار کم دیده می‌شود؛ ۳۴ - گِلُو (gelu): نوعی انجیر سیاه است؛ ۳۵ - گوسِرگ (guserg): گیاهی است درختچه‌ای کوتاه با تیغ‌های فراوان، میوه آن به رنگ سرخ و به اندازه دانه تسبیح است که خوردنی است، در گویش مازندرانی به آن سرخ و لیک گویند؛ ۳۶ - گُش بَرَه (goš bara): به فارسی آن را گل عقربی، کپو چيست، کرکی و وسه (crozophora tinctoria) گویند، گیاهی علفی و یکساله است، گل آن تک جنس، مجتمع در خوشه‌های کناری و انتهایی است، موسم آن اردیبهشت تا شهریور است؛ ۳۷ - مُخ (mox): به فارسی نخل است و در منطقه جنوب دوان به

صورت تك درختهایی دیده می‌شود؛ ۳۸ - نار (nâr): همان انار است (punica granatum) که در دوان به صورت باغهایی در کنار چشمه‌زارها قرار دارند و شرح مفصل آن در بخش کشاورزی می‌آید؛ و ۳۹ - جِرْ (her): نوعی گلایی وحشی است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دشت و کوهسار دوان نزدیک به ۱۵۰ نوع گیاهان علفی، بوته‌ای، درختچه‌ای و درختی وجود دارد که عمدتاً دیم بوده و به هنگام فصل بهار همگی غرق در گل‌های معطر هستند و هر رهگذری را طراوت می‌بخشند و بهترین منبع تغذیه برای زنبوران عمل هستند. دوانی‌ها اصولاً از گیاهان منطقه استفاده‌ی کافی می‌برند. زمینه‌های مصرفی آنها متنوع است و بستگی به نیازهایشان دارد. اگر در رابطه با گیاهان منطقه دوان دقت بیشتری گردد، کل منطقه می‌تواند به صورت یک مجموعه زیبا از گیاهان باشد.

### حیوانات منطقه دوان

حیوانات متعددی در منطقه دوان زیست می‌کنند و در واقع آنجا را به باغ وحش طبیعی تبدیل کرده‌اند. در این باغ وحش به علت وجود مناطق گرمسیری و سردسیری جانورانی پیدا می‌شوند که متعلق به اقلیم‌های کاملاً متفاوتی هستند. بررسی جانوران منطقه دوان نیاز به یک مطالعه دقیق و عمیق دارد که از عهده این مجموعه خارج است، اما هدف این قسمت آن است که به معرفی تنوع جانوران منطقه پردازد. در سطح بسیار کلی دوانی‌ها حیوانات موجود در منطقه را به دو دسته تقسیم می‌کنند: دسته اول آنهایی که پرواز می‌کنند، دسته دوم آنهایی که پرواز نمی‌کنند و یا به عبارت دیگر راه می‌روند و می‌جهند و می‌خزند. هر کدام از این تقسیم‌بندی‌ها خود دارای تقسیمات جزئی است که بر اساس معیارهای مختلفی است. چون در اینجا هدف صرفاً معرفی جانوران است پس به همان دو طبقه وسیع بسنده می‌کنیم.

### پرندهگان و حشرات منطقه دوان

منطقه کوهستانی و دشت دوان یکی از مناطق مناسب برای زندگی پرندهگان مختلف است. همان‌طور که ملاحظه خواهید کرد، تنوع پرندهگان در این منطقه زیاد است و سعی شده آنچه را که دوانی‌ها تاکنون مشاهده کرده‌اند در این قسمت بیاوریم. برای شناخت تصویری هر کدام از این



پرنندگان می‌توان به کتاب پرنندگان ایران<sup>۱</sup> مراجعه نمود. در این قسمت پرنندگان به ترتیب نامشان به گویش دوانی معرفی شده‌اند و سعی شده خصوصاً مشخصه هر پرنده ذکر شود:

۱ - باذقب (baḡ qaḡ) یا دُر وار (dor vār) که به فارسی آن را دلجه گویند، نام علمی آن Famco- tinnusulus است. بالهای نوک تیز و دم باریک دارد و از خانواده شاهین‌ها (Falconidae) است. در جا بال می‌زند و در حالی که بدن خود را کاملاً سرازیر گرفته است برای شکار موش، سوسک و غیره فرود می‌آید. زیستگاه آن کشتزارها، فضای باز جنگلها و گاهی رد روستاست. این پرنده جزء حرام گوشتان است.

۲ - باشا (bāša) پرنده‌ای است از خانواده شاهین که دارای پرهای سفید در زیر شکم و سینه است.

۳ - بذبذبه (baḡ baḡe) همان بلدرچین است که نام علمی آن *coturnix coturnix* و از خانواده قرقاول (phasianidae) است. پرنده‌ای کوچک و بظاهر شبیه کبک است. در فصل زاد و ولد کمتر می‌توان آن را از محل اختفایش وادار به پرواز کرد. غالباً در چراگاههای ناهموار، کشتزارهای غلات و بین علفهای انبوه بسر می‌برد. در تابستان فراوان بوده و جزء حلال گوشتهاست.

۴ - بلبل (bolbol) همان بلبل خرما است که نام علمی آن *Pyconotus lecotis* و از خانواده بال لاکی (Bombycillidae) می‌باشد. پرنده‌ای است پر سر و صدا که معمولاً به صورت جفت دیده می‌شوند. روی بوته‌های درخت آشیانه‌ای زیبا می‌سازد. خیلی زود اهلی می‌شود و جزء حرام گوشتان است.

۵ - بیف کور (bif kur) که به فارسی آن را «جغد کوچک» گویند و نام علمی آن *Athene noctua* است و از خانواده جغدها (Strigidae) است. دوانی‌ها آن را پرنده‌ای شوم می‌دانند و جزء حرام گوشتان است.

۶ - پرسیک (peri:sik) که به فارسی پرستو خوانده می‌شود. نام علمی اش *Hirundo r-ustica* است و از خانواده پرستو (Hirundinidae) می‌باشد. پرنده‌ای اجتماعی است. آشیانه‌اش را از

- گاه و گل زیر لبه پشت بام طویله‌ها می‌سازند. این پرنده جزء حرام گوشتان است.
- ۷- تی هی (tihi) که به فارسی آن را تیهو گویند. نام علمی آن *Alectoris Chukar* و از خانواده قرقاول (*phasianidae*) می‌باشد. یک ماکیان کوچک است که ظاهراً شبیه به کبک کوچک بنظر می‌آید. روی زمین آشیانه می‌کند. از نظر دوانی‌ها تی‌هی حلال گوشت و دارای گوشتی لذیذ است، لذا مورد توجه خاص شکارچیان دوانی است.
- ۸- خُشخون (*xoš xun*) که به فارسی آن را بلبل گویند و نام علمی آن *me-garhynchos Luscinia* است. خوش خون از خانواده توکا (*turdidae*) است. اغلب خود را از انظار پنهان می‌کند و تک‌زی است. این پرنده جزء حلال گوشتان است.
- ۹- داربُر (*dâr bor*) که به فارسی آن را دارکوب باغی (*Dendrocopos syriacus*) گویند و از خانواده دارکوب (*picidae*) است. بیشتر در اطراف روستا و نزدیک کشتزارها دیده می‌شود و جزء حلال گوشتان است.
- ۱۰- دال (*dâl*) نوعی کرکس با نام علمی *Gyps fulvus* و از خانواده لاشخورهاست.
- ۱۱- دُرّاج (*dorrâj*) که به فارسی آن را دُرّاج *Francolinus Francolinus* گویند و از خانواده قرقاول (*phasianidae*) است. عموماً خود را از انظار مخفی نگاه می‌دارد و بدشواری می‌توان آن را وادار به پرواز کرد. زیستگاه آن علفزارهای ناهموار با بوته‌ها و خاربن‌های انبوه است و به همین لحاظ شکار آن تقریباً مشکل است و دوانی‌ها کمتر موفق به شکارش می‌شوند. دُرّاج جزء حلال گوشتان است.
- ۱۲- دیدومک (*didomek*) که به فارسی آن را دیدومک (*vanellus indicus*) گویند و از خانواده سلیم (*charadriidae*) است. روی زمین در نقاط باز آشیانه می‌سازد. دوانی‌ها معتقدند که هرگاه شب هنگام دیدومک بر بالای خانه کسی بانگ «دیدم دیدم» بر آورد، بعد از ۲ تا ۳ روز مسافری بر آن خانه وارد می‌شود. دیدومک جزء حلال گوشتان است.
- ۱۳- زردوک (*zarduk*) که به فارسی آن را «دم جنبانک زرد» گویند نام علمی اش *Motacilla flava* و از خانواده دم جنبانک (*Motacillidae*) است. در یک گودال کوچک زیر علفهای انبوه و گاهی در مزارع غلات لانه‌سازی می‌کند. زردوک حلال گوشت است.
- ۱۴- سه‌ره (*se:ra*) که به فارسی آن را «سهره معمولی» (*Carduelis Carduelis*) گویند از

خانواده سهره (Fringillidae) و پرنده‌ای اجتماعی است و زیستگاه آن باغها و کشتزارها می‌باشد. لانه‌اش را روی درخت و معمولاً نزدیک شاخه‌ها و گاهی در پرچین‌ها می‌سازد. در زمستان تعدادشان خیلی زیاد است. این پرنده جزء حلال گوشتان است.

۱۵ - سینه سرخ، که به فارسی آن را «سینه سرخ» (Erithacus rebecca) گویند و از خانواده توکا (Turdidae) است. زیستگاه آن باغها، پرچین‌ها، بیشه‌ها و جنگلهای با رویش گیاهی کوتاه است. توی سوراخها یا شکاف دیوارها، روی درختها و پای پرچین‌ها لانه می‌سازد. در زمستانها زیاد دیده می‌شود و حلال گوشت است.

۱۶ - سی یتیشک (siya tişk) که به فارسی آن را «سار» (Sturnus Vulgaris) گویند و از خانواده سار (Sturnidae) است. پرنده‌ای سیاه رنگ با جلای سبز برنزی و ارغوانی است. این پرندگان به طور دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. در پاییز و زمستان هنگام غروب به صورت گله‌های بزرگ بر فراز روستا دیده می‌شوند و سر و صدا راه می‌اندازند. در مناطق بایر و لم یزرع زاد و ولد می‌کند. این پرنده حلال گوشت است.

۱۷ - شاهین که به فارسی آن را «شاهین» (Falco peregrinoides) گویند و از خانواده شاهین (Falconidae) است. زیستگاه آن تپه و ماهورها و نواحی کوهستانی است، اما در زمستان به دشت کوچ می‌کند. معمولاً روی لبه صخره‌های مرتفع آشیانه می‌سازد. شاهین جزء حرام گوشتان است.

۱۸ - فندوق (fendug) که به فارسی آن را «سک جنبان» (Scotocerca inquieteta) گویند و از خانواده سک (sylviiidae) است. مرتباً در جنب و جوش است و هنگام جابجایی از یک بوته به بوته دیگر اغلب روی زمین می‌دود. توی بوته‌های کوتاه لانه می‌سازد. این پرنده حلال گوشت است.

۱۹ - قلاجیروک (qalâ jiruk) که به فارسی آن را «زاغ نوک سرخ» (pyrrhocorax) گویند و از خانواده کلاغ (Corvidae) است. پرنده‌ای کاملاً اجتماعی و زیستگاه آن کوهستانهاست و در شکاف سنگها و لبه پرتگاهها و درون غارها لانه می‌سازد. قلاجیروک حرام گوشت است.

۲۰ - فلاسوزک (qalâ sôzak) که همان «سبز قبا» (Caracias garrulus) است و از خانواده سبز

- قبا (Coraciidae) می‌باشد. در پروازهای نمایشی در موسم جفت‌گیری از ارتفاع زیاد در هوا معلق می‌زند و می‌چرخد. در خرابه‌ها زاد و ولد می‌کند. این پرنده حرام گوشت است.
- ۲۱- کُکَه یوسف (koka yusof) که به فارسی آن را «یا کریم» (Streptopelia to) گویند و از خانواده کبوتر (Columbidae) است. آشیانه‌اش را معمولاً روی درختها و گاهی روی ساختمانها می‌سازد. این پرنده حلال گوشت در دوان فراوان می‌توان یافت.
- ۲۲- کُله سوروک (kola suruk) که به فارسی آن را چکاوک «کاکلی» (Calerida C-ristata) گویند و از خانواده چکاوک (Alaudidae) است. اصولاً پروازش ناشیانه بنظر می‌رسد. اغلب کنار جاده دیده می‌شود. روی زمین آشیانه می‌سازد و جزء حلال گوشتان است.
- ۲۳- کموتر (kamutat) که به فارسی آن را «کبوتر چاهی» (Columba livia) گویند و از خانواده کبوتر (Columbidae) است. آشیانه خود را در شکاف سنگها و در غارها می‌سازد. این پرنده حلال گوشت است.
- ۲۴- کوریشک (kurišk) که به فارسی آن را «زنبور خوار معمولی» گویند و نام علمی‌اش apiaster Merops و از خانواده زنبور خوارها (Meropidae) است. پرنده‌ای اجتماعی با پروازی زیباست. این پرنده حلال گوشت است.
- ۲۵- کولیمنکولو (kulimankulu) که به فارسی آن را «کمرکلی بزرگ» گویند و نام علمی آن Sitta tephronota است و از خانواده کمرکلی (Sittidae) است. در غارها و شکاف سنگها زاد و ولد می‌کند و دهانه لانه را با گل اندود می‌کند و به شکل قیف کوتاهی در می‌آورد. کولیمنکولو پرنده‌ای حلال گوشت است.
- ۲۶- کوکر (kōkar) که به فارسی آن را «کوکر شکم سیاه» (pterocles orientalis) گویند. و از خانواده کوکر (pteroclididae) است. زیستگاه آن در زمینهای ناهموار سنگلاخ است. روی زمین آشیانه می‌سازد. دوانی‌ها کوکر را حلال گوشت می‌دانند.
- ۲۷- کوکو (kuku) که به فارسی آن را کوکو (Cuculus Canorus) گویند و از خانواده کوکو (cuculidae) است. معمولاً در حاشیه جنگلها، بوته‌زارهای غیر محصور و همچنین مناطق بی درخت و گاهی در زمینهای باز مرتفع دیده می‌شود این پرنده خود لانه‌سازی نمی‌کند بلکه در لانه پرنده‌گان دیگر تخم‌گذاری می‌نماید. کوکو حلال گوشت است.

۲۸- کوگ (kôg) که به فارسی آن را «کبک» (Alectoris Chukar) گویند و از خانواده قرقاول (Phasianidae) می‌باشد. در بهار و تابستان پرندۀ ای پر سر ر صداست. تقریباً همیشه در دامنه‌ها و شیب‌های کوهستانی باز و سنگلاخ یافت می‌شود. این نوع پرندگان در میان بوته‌های کوتاه بین صخره‌ها آشیانه می‌سازند. این نوع پرندۀ از شکارهای مورد علاقه دوانی‌هاست و متأسفانه شکار بی رویه آن، بخصوص در فصل زاد و ولد، باعث شده که تعداد آنها امروزه بسیار کم شود. کوگ حلال گوشت بوده و شکار آن یا از طریق استفاده از تفنگ یا دستبرد زدن به لانه آنها و برداشتن نوزاد است.

۲۹- گُر (gor) نوع ملخی باغی است نوزاد آن را بتک (batek) گویند.

۳۰- گنج (gondz) زنبور قرمز است که به صورت جمعی در سوراخهای دیواره سنگی باغها و کنار چشمه‌ها لانه‌سازی می‌کنند. نیش آن سمی و خطرناک است.

۳۱- گنجیسک (gondzisk) زنبور زرد است تعدادشان به هنگام تابستان در کنار چشمه‌ها زیاد است.

۳۲- گوجیشک (gujišk) که همان گنجشک است که به دو صورت گنجشک معمولی (passer domesticus) و دیگری گنجشک کوهی (petronia petronia) دیده می‌شود و هر دو از خانواده گنجشک (ploceidae) هستند. در سوراخها و شکافهای ساختمانها، توی پیچک‌ها و پرچین‌ها لانه می‌سازد. دوانی‌ها معتقدند که گنجشک معمولی در لانه‌اش با مار همزیستی می‌کند و مار ساکن در لانه گنجشک یکی دو تا از نوزاد گنجشک را می‌خورد اما در عوض از لانه و بقیه نوزادها در مقابل خطر خارجی، بخصوص انسانها، حفاظت می‌کند. گوجیشک حلال گوشت است.

۳۳- سَد من روغنی (sađmanruđani) که به فارسی آن را «دم جنبانک ابلق» (motacilla alba) گویند و از خانواده دم جنبانک (motacillida) است. تعداد آنها در سطح روستا زیاد است و در سوراخ دیوارها لانه می‌سازد. این پرندۀ حلال گوشت و دارای گوشتی بسیار چرب است.

۳۴- لیکو (liku) که به فارسی آن را لیکو (Turdoides Caudatus) گویند و از خانواده لیکو (Timaliidae) و پرندۀ ای اجتماعی است و اغلب به صورت دسته و یا گله‌های کوچک دیده

می‌شود. زیستگاه این پرندۀ فضاهاى باز با بوته‌هاى و درختهاى پراکنده و باغهاى انجیر است. معمولاً لانه‌اش را روی بوته‌هاى خاردار می‌سازد. لیکو حلال گوشت است.

۳۵ - مرغک باسلیمونی (bāseleymuni) که به فارسی آن را «هدهد» (upupaepops) گویند و از خانواده هدهد (upupidae) است. در سوراخ درختهاى کهن آشیانه می‌سازد. در تابستان فروان و حلال گوشت است.

۳۶ - مَش (maš) زنبور عسل اهلی است.

۳۷ - مَش کورک (maskurak) زنبور عسل وحشی و دارای جثه‌ای کوچکتر از زنبور عسل معمولی است.

۳۸ - میشک شوپر (mišk-e šôpar) که به فارسی آن را «خفاش» گویند.

۳۹ - میگ: (meyg) ملخ مصری است که به صورت دستجمعی به منطقه وارد می‌شوند و بالای جان گیاهان و غلات و باغهاست نوزاد آن را کرمیگ (kor-e meyg) گویند.

### دیگر جانوران منطقه دوان

دسته دوم جانوران دوان از تنوع زیادی برخوردار است و دوانی‌ها دارای دسته‌بندی خاص برای آنها هستند. بعضی از این حیوانات حلال گوشت و اکثراً حرام گوشت هستند. در اینجا سعی می‌شود که ضمن معرفی این جانوران، طبقه‌بندی آنها هم رعایت شود:

دسته اول: پلنگ؛ کفتار؛ خرس سفید؛ خرس قهوه‌ای کم رنگ؛ یوزپلنگ؛ گرگ؛ سه گرگ و گراز.

دسته دوم: چوله (čula) (خارپشت)؛ و زچ (zets) که همان جوجه تیغی است.

دسته سوم: روه (reva) (همان روباه است)؛ سمیر (semir) یا گورکن؛ سمور؛ خرگوش و سگ توره که به اندازه گربه است و دائم زوزه می‌کشد.

دسته چهارم: گولو (gulu) که همان گربه اهلی است؛ گولوی براق (borâq) که دشمن اصلی موش خرماست؛ و دارای دمى پشمالوست؛ کولوزنگو (kuluzangu) از گربه بزرگتر اما از سگ کوچکتر است و دوانی‌ها معتقدند دارای مچی قوی است و به آدم حمله می‌کند.

دسته پنجم: میشکره (miškarra) که همان موش خرماست؛ میشک سیه (mišk-e siya) و

میشک خونگی (miške xunegi).

دسته ششم: بز دوش (boz duš) شبیه سوسمار است و حدود ۳ تا ۴ کیلو وزن دارد و از پستان بز شیر می‌دوشد؛ بک مار (bakmâr) شبیه به مارمولک است، نیم کیلو وزن دارد، فقط دو پا دارد و دائم سوت می‌زند؛ کلپوک (kalpuk) از مارمولک بزرگتر است؛ و کزوه (karve) که از کلپوک بزرگتر است.

دسته هفتم: مارها. انواع مار در منطقه دوان وجود دارند از جمله مارکوره، جُخوک (joxuk) - هفی (hafi) - جَـقَری (ja: fari).

دسته هشتم: آقرو زرد؛ آقروسیه (siya)؛ رتیل (reteyl) آسمانی معروف به جِراع (jera) و رتیل زمینی.

دسته نهم: آهوکه نر آن را کولوس (kolus) گویند و ماده آن همان آهوست؛ بزکوهی؛ پازن (pâzan)؛ میش و قوچ.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، منطقه دوان شامل انواع حیوانات است که بسیاری از آنها حلال گوشت بوده و مورد توجه شکارچیان است. از آنجایی که منطقه دوان فاقد شکاربان است، نه تنها اهالی دوان برای شکار به کوه و دشت دوان می‌روند، بلکه ساکنان روستاهای کوهمره، همچون گاهکشک، دیکانک، موردک، گرگدان، پاپون، تنگ چوگان، چکک و کرونئی بدون توجه به رعایت اصول شکار در فصلهای غیر مجاز به کوههای دوان می‌روند و به شکارهای بی رویه می‌پردازند. همین امر باعث شده که بسیاری از حیوانات در این منطقه رو به انقراض کشیده شوند و بیم آن می‌رود که در مدتی کوتاه نسل آنها از بین برود.

## نتیجه‌گیری

منطقه دوان، منطقه وسیعی است که موقعیتی خاص را برای دوان ایجاد نموده است. این موقعیت باعث شده که دوان از تنوع جغرافیایی برخوردار باشد. از این رو در منطقه، از لحاظ خاک‌شناسی، آب و هواشناسی، پوشش گیاهی و حیوانات موجود با یک مجموعه روبرو می‌شویم که یک دست نیست. تنوع باعث شده که دوان از امکانات طبیعی زیادی برای فعالیتهای مختلف برخوردار باشد که این فعالیتهای شامل بخش کشاورزی، بخش دامداری و بخش صنعتی است.

معیشت دوانی‌ها باید تحت تأثیر این تنوع بوده باشد زیرا زندگی روستایی تا حدودی محصور در محدودیتها و امکانات طبیعی است. نوع خاک دوان، کشاورزی خاصی را طلب کرده است. تنوع آب و هوایی باعث شده که دوانی‌ها از شرایط سردسیر و گرمسیر استفاده ببرند. گیاهان منطقه آنچنان که متنوع هستند باید بر شیوه زندگی و روشهای قومی اثر داشته باشند.

حیوانات متعدد باید بر نحوه بکارگیری آنها و اعتقادات مردم بر این حیوانات تأثیر زیادی داشته باشد. به عبارت دیگر، گوناگونی شرایط و امکانات طبیعی دوان باید بر فرهنگ دوان تأثیر داشته باشد. این امر را فصلهای آینده این مجموعه به نمایش خواهد گذاشت. آنچه از این فصل بر آمده این است که زمینه برای تأثیرات مهیا بوده است.



## فصل دهم

### زمینه تاریخی و معماری سنتی

#### مقدمه

ابتکار انسان در مورد ساخت واحدهای مسکونی در طول تاریخ چنان حایز اهمیت است که مهمترین منابع مطالعه زندگی انسان را محل سکونت او می دانند.

اولین واحد مسکونی انسان غارهای طبیعی کوهستان بوده که بدون دخالت ساکنان آن وجود داشته و انسان، شرایط زیستی خود را با آن وفق داده است؛ اما از حدود هزاره نهم تا هفتم قبل از میلاد، با آغاز ده نشینی که آن را دوران «استقرار» یا «سکونت» نامیده اند، و با عنوان انقلاب «نوسنگی» از آن یاد می کنند، انسان از کوه به دشت نقل مکان کرده و در آنجا واحدهای مسکونی خود را ساخته است. این عصر را با ظهور عصر کشاورزی همزمان دانسته اند. قبل از دوره کشاورزی انسان کاملاً تابع شرایط محیط زیست خود بوده و برای گردآوری خوراک مجبور بوده است که مرتب در حرکت باشد. او هر جا که به خوراک دست می یافته، برای مدت کوتاهی توقف می کرده و باز آواره یک دیار دیگر می شده است.

در دوره کشاورزی بر خلاف دوره قبل، انسان در يك جا متوقف شده و با کشت دانه های گیاهی و ایجاد خانه های روستایی، برای يك زندگی طولانی محلی مناسب را یافته است.

محل های مسکونی انسان در ابتدا از خار و خاشاک و شاخه های درختان درست شده ولی به مرور این کپر ها به بنا های ساخته شده از خشت خام تبدیل شده است.

دکتر «گریشمن» در مورد خصوصیات بارز روستاهای هزاره سوم قبل از میلاد که در نجد